

بازی نقد

..... جستارهای نقد معماری

نویسنده:

دنيس شارپه فرانسوا شسلان، جوزف ريكورت، مايكل سوركي،
ژرמי سيمون، ايرنه اسكالبرت، كارن آ. فرانكه ايمان رئيسي
سمانه سلطانزاده، ارغوان دانشيان، ماندانا يوسفی، مليكا حاج شفيعی ها

ترجمه:

ايمان رئيسي، حسين زماني، حسام عشقي صنعتي
سيما قرباني، ماندانا منصوري، فريد فرآورده

رئیس: ایمان، ۱۳۵۶ - گردآورنده.
نقد بازی: جستارهای نقد معماری / به کوشش ایمان رئیس.
مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۲.
۲۲۴ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۹۰۱۴۰۳

شابک:
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فنی
موضوع: معماری - نقد و تفسیر
زده بندی کنگره:
زده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

NAT۵۹۹/۵/۹۷۱۳۹۲

۷۲۰/۱

۳۲۵۵۶۵۱



کتابکده تخصصی هنر معماری و شهرسازی کسری

نقد بازی

دکتر ایمان رئیس (عضو هیات علمی و عضو هیئت مدیره انجمن اسلامی قزوین)

ویراستار ادبی: مهرداد فرید

طراح جلد: فرید فراوان

صفحه آرای و آماده سازی چاپ: مهرداد فرید

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس سینوی

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۰۹ - ۱۴ - ۳

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی انتشارات: مشهد - فلسطين ۱۴ - پلاک ۱۰ تلفن: ۰۵۱۱ - ۷۶۷۰۰۱۹ - ۷۶۴۱۳۷۲ - ۰۵۱۱

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات محفوظ می باشد.

مرکز پخش: کتابکده کسری

تلفن: ۰۵۱۱ - ۷۶۷۰۰۱۹ - ۵۱۱ همراه: ۰۵۱۲۴۲۱۹ - ۹۱۵

پیش‌گفتار

از رضا دانشمیر قدردانی می‌نمایم که دریچه‌ی نقد هنر و معماری معاصر را به رویم گشود.

از دکتر عبدالهادی دانشپور سپاسگزاری می‌نمایم که مرا در مسیر مطالعات رساله‌ی دکترای معماری ام، با عنوان «نقش نقد در جهت دهی معماری معاصر ایران» راهنمایی نمود.

از دکتر حمید سیمران، دکتر حمیدرضا خویی و دکتر کریم بنی‌شکر می‌کنم که در راستای مطالعات رساله دکترای مرا یاری نمودند.

از حسین زمانی قدردانی می‌کنم که با دقت متون فارسی تعدادی از مقالات را به انگلیسی آن‌ها مطابقت داد.

از حسام عشقی صنعتی، جلد بازخوانی متن فارسی کتاب و تدوین نمایه سپاسگزاری می‌نمایم. از معین فرخی تشکر می‌کنم که ویرایش ادبی این مجموعه را پذیرفت، از فرید فراورده سپاسگزاری می‌نمایم که جلد کتاب را طراحی کرد و سرانجام از دوستانم در نشر کتابکده کسرا: سیما نبی زاده، نیما طالبیان و مهدی آتشی قدردانی می‌نمایم، که به کیفیت در نشر آثار معماری اهمیت می‌دهند.

	پیش‌گفتار
	- مقدمه / ایمن رئیسی
۲۵	- ابتدا نقد سپس ختمان / جوزف ریکورت
۲۹	- نقد معماری / ریخ-پیت / نقش‌ها / دنیس شارپ
۳۷	- نقد در معماری / دنیس شارپ
۵۵	- معماری و نقد / فرانسه / شسلا
۶۵	- نقد و اخلاق / جوزف ریکورت
۶۹	- کنترپوان / مایکل سورکین
۷۷	- رویکردی فمینیستی در معماری / کارن آ. لای
۸۷	- نقد معماری؛ جستجوی منتقدان معماری روزه در آمریکا / ژرمنی سیمون
۱۱۳	- جایزه پریترکر: ۱۹۷۹-۲۰۱۲ / ایمان رئیسی
۱۲۷	- نقد مرکز هنرهای بصری و کسپر / ایمان رئیسی و سمن سلطان‌زاد
۱۳۷	- واسازی توسعه موزه یهود برلین / ایمان رئیسی
۱۴۳	- نقد توسعه موزه تاریخ یهود برلین با رویکرد نشانه‌شناسی / ایمان رئیسی
	ارغوان دانشیان، ماندانا یوسفی
۱۵۷	- نقد ترمینال بین‌المللی بندر یوکوهاما / ایرنه اسکالبرت
۱۶۳	- تحلیل محتوای نقدهای معماری نشریات معماری ایران / ایمان رئیسی
۱۸۵	- مطالعه تطبیقی میزان رضایت‌مندی در موزه هنرهای معاصر و پردیس سینمایی
	ملت با رویکرد پایداری اجتماعی / ایمان رئیسی و ملیکا حاجی شفیعی‌ها
۱۹۹	- نقد معماری در گفتگو با ایمان رئیسی
۲۱۱	- منیخ‌شناسی نقد
۲۲۱	- نمایه

«همه‌ی روابط ثابت و منجمد، همه با پیشداوری‌ها و عقاید کهنه و سخت و بسته به آنها، به حاشیه رانده می‌شوند و تمامی روابط تازه شکل یافته قبل از آنکه استوار شوند منسوخ می‌گردند. هر آنچه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود، هر آنچه مقدس است، دنیوی می‌شود و دست آخر آدمیان ناچار می‌شوند ... با وضعیت واقعی زندگی و روابطشان با هم‌نوعان خویش رویرو گردند».

کارل مارکس و فریدریش انگلس، ۱۸۴۸، ترجمه‌ی مراد فرهادپور، در کتاب «تجربه‌ی مدرنیته»، نوشته‌ی مارشال برمن.

مقدمه

نوشته: ایسمان رئیس

نقد به مفهوم کلی آن، یعنی فعالیت انسانی است که حوزه‌ی کاربرد گسترده‌ای دارد. موضوع نقد شامل کلیه‌ی کارهایی است که انسان‌ها انجام می‌دهند یا کلیه‌ی چیزهایی است که می‌سازند. «نقد جزء لاینفک همه‌ی فرهنگ‌های بشری است. برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که نقد با آن‌ها سر و کار دارد عبارت‌اند از: ابزار (ساخته‌های دست‌ساز هر یک کاربرد خاصی دارد)، اعمال (کارهایی که از منظری اخلاقی قضاوت می‌شوند)، قضایا (اظهار نظر علیه دربار، صحت و درستی چیزی)، و اجرای حرکات ورزشی یا آثار هنری که در آن‌ها مهارت‌های معمولی مانند دویدن، آواز خواندن و داستان تعریف کردن به مراتب پیچیده‌تر از وسایلی هستند که ما در زندگی روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم». (گات؛ ۱۳۸۴: ۲۲۹)

اهمیت نقد از قدیم مورد قبول بیشتر کتاب‌نظرین بوده است. عبدالحسین زرین کوب در کتاب نقد ادبی آورده است: «ابن سلام گوید: «کسی خلف من است که شعر را بشنوم و بپسندم، دیگر بدان چه تو و یارانت در آن گویند، التفات نمی‌کنم. گفت اگر در یکی بستانی، آن را نیک شمری و بپسندی، آنگاه صراف گوید که آن درم ناسره است. آیا پسند تو برای تو سودی تواند داشت؟» در واقع کسانی که ارزش و فایده‌ی نقد را انکار می‌کنند، تأثیری را که انتقاد در تهذیب ذوق مردم و هدایت قریحه‌ی هنرمند دارد، دریافته‌اند». (زرین کوب؛ ۱۳۷۳: ۲۸)

با نگاه به متون باقی مانده متوجه می‌شویم که «از ایران قبل از اسلام آثار ادبی بسیار باقی نمانده است، تا از روی آن آثار بتوان قواعد و مبانی سخن‌سنجی و نقادی قدیم ایران و سبک‌ها و آداب آن را در طی قرون گذشته استنباط نمود. ... در هر صورت، ادب پیش از اسلام ایران با آنکه قسمت عمده‌ی آن به سبب حوادث و فتنه‌ها از میان رفته است، از حیث عمق و وسعت و لطف و عظمت درخور توجه است، و با آنکه همه‌ی هر چند در متون موجود ادب قبل از اسلام، کتابی و رساله‌ای در باب نقد ادبی باز نمانده است، مجموعه شواهد و قرائن می‌توان وجود و رواج نقادی و سخن‌سنجی را در ادب آن روزگاران مسلم دانست». (همان‌جا؛ ۱۸۱)

«بعضی از مؤلفان عرب، مانند جاحظ، از قول شعوبیه نقل کرده‌اند که ایرانیان در ادوار قبل از اسلام کتاب‌ها در باب بلاغت داشته‌اند و هر کس بخواهد رموز بلاغت بیاموزد، باید به کتب آن‌ها مانند کتاب کاروند رجوع کند. آیا این کاروند کتابی در فنون بلاغت و سخن‌وری بوده است، اگرچه، از این کتابی که شعوبیه بدان می‌نازیده‌اند و می‌خواسته‌اند آن را نشانه‌ی آشنایی ایرانیان با آئین سخن‌وری بدانند، اکنون نشانی در دست

نست، اما قرائن حاکی از آنست که ایرانیان، در ادوار قبل از اسلام به هر حال، با فنون بلاغت و سخنوری آشنایی داشتند و ذوق نقادی و قریحه‌ی شناخت نیک و بد آثار ادبی در آن‌ها وجود داشته است». (همان‌جا؛ ۱۸۲)

«آثار فنون ادب، نقد و بلاغت یونانی نیز، ایرانیان در روزگار قبل از اسلام اطلاع داشته‌اند؟ به این سبب در حال حاضر جواب قطعی و دقیق نمی‌توان داد. آنچه محقق است، این است که از عهد اشکانیان، بزرگان طبقات برتر ایرانی ایران، با ادب و فرهنگ یونانی آشنا بوده‌اند. اشکانی‌ها یونان دوستی را ظاهراً نمونه‌ی آداب انسانی می‌شمردند و بدان می‌بالیدند. حتی در برابر بعضی از پادشاهان اشکانی بنابر مشهور، نمایشنامه‌های یونانی را به زبان یونانی نمایش می‌داده‌اند. در عهد ساسانی نیز با وجود توجه و تعهدی که آن‌ها به رعایت ادب و شعر ایرانی و زرتشتی داشته‌اند، از توجه به فرهنگ یونان غافل نبوده‌اند. مطابق بعضی روایات، در عهد ساسانی، مذاهب و آراء فلسفی سقراط و افلاطون در بین علماء ایران مانوس بوده‌است و با حکماء یونانی سبب در میان برپا آورده بودند، از مسائل حکمت سخن می‌گفته است، و حتی کتابی نیز، هم‌اکنون در دست هست به زبان لاتینی، مشتمل بر سؤالات فلسفی اردشیر بابکان و جواب‌هایی که یکی از حکیمان به پرسش‌های وی داده است. این کتاب و این همه حکایت از آشنایی ایرانیان، در ادوار قبل از اسلام، با معارف، حکمت و ادب یونانی دارسیر، به خط لغات و اصطلاحات علمی فارسی که در کتب مسلمین و هم در کتب پهلوی بعد از اسلام آمده است حکایت از آشنایی قوم با حکمت و معارف یونانی دارد، بلکه به حکم قرائن و شواهد بعضی از کتب، منطق ارسطو را به زبان پهلوی بوده است، نیز عبدالله ابن مقفع یا پسرش به عربی نقل کرده‌اند، و پیداست که در روزگار پیش از اسلام این کتاب‌های ارسطو را از یونانی به پهلوی در آورده بودند. چنانچه پاولوس ایرانی، رساله‌ای در باب حکم ارسطو جهت شاهنشاه خسرو اول نوشته است که هم اکنون در دست است و چاپ شده است و از این منبع فاضل شاید بتوان احتمال داد که ایرانی‌ها لااقل در عهد ساسانیان از فن شعر و خطابه‌ی ارسطو یا شروح و تفسیرهای آن‌ها بی‌خبر نبوده‌اند. همچنین توجه و اهتمام ساسانیان در اخذ و نشر فرهنگ و ادب سایر ملل استعلاقی‌ها در نقل و نشر کتاب کلیله و دمنه پیداست و شهرت و قبول این کتاب خود تا حدی از ذوق نقادی و ادب ایرانیان حکایت دارد. وقتی به خسرو پرویز خبر آورده‌اند که خصم او، بهرام چوبین در هر منزل که فرود می‌آید، می‌بینند تا کتاب کلیله و دمنه را فراز می‌آوردند و او همه روز به خواندن آن می‌پردازد، خسرو به بندویه و بسطام گفت: «از بهرام هرگز چندان که در این ساعت ترسیدم، نترسیده‌ام که دانستم وی در کلیله و دمنه بسیار می‌نگرد و کلیله خود ادب و رای سنجیده بسیار در بر دارد و رای و حزم مرد را از آنچه در وی هست بیش‌تر می‌کند». و این حکم و قضاوت نمونه‌ای است از طرز فکر ایرانی‌ها در باب کتاب‌ها و تاثیر آن‌ها و همچنین نموداری است

از شیوه نقد اخلاقی که در آن زمان، ظاهراً در ایران زیاد مورد توجه بوده است. و این نفوذ و رواج فکر نقد اخلاقی در ادب ایرانی‌ها سابقه‌ای طولانی دارد و حتی در اوستا و کتیبه‌های کهن هخامنشی تأکید و توصیه‌ی بسیاری بر پیروی از راستی و اجتناب از دروغ شده است و اندرنامه‌های پهلوی هم که اکنون موجودست، از این قبیل سخنان است. و این معنی نشان می‌دهد که موازین اخلاقی از دیرباز در شناخت ارزش کلام معتبر بوده است. ناچار ادبی نیز از تأیید آن خالی نبوده است.

از قرائنی که بر حمایت از وجود و حتی قوت قریحه‌ی نقادی در بین ایرانیان قبل از اسلام دارد، رواج مشاجرات مذهبی و کلامی بین موبدان و پیروان سایر ادیان و مذاهب است. علی‌الخصوص که ظهور و رواج مذاهب مختلف در آن روزگار که مذهب اهل و مناظره را گرم‌تر می‌کرده است و شیوع ذوق و تاویل نیز سبب می‌شده است که موبدان زشتی در بیان جدل و نظر غور بنمایند و اصول نقد و جدل را فرا بگیرند. این تشبث و اختلاف فکری و دینی که صحنه‌ی رواج جدل و مناظره و نقد و مشاجره بوده است، از باب «برزویه‌ی طیبی»، در کلیله و دمنه و بعضی مشهورات و هر چند بعضی از اهل تحقیق این باب را از معجزات این مقفع دانسته‌اند، اما ظاهر آنست که در این اوضاع و احوال فکری و ذوقی اواخر عصر ساسانی جلوه‌ای انکارناپذیر دارد. در هر حال قریحه‌ی جدل و نقادی، که نتیجه‌ی رواج این مشاجرات دینی و کلامی بوده است، در بعضی از کتاب‌های موجود پهلوی منعکس است. در این کتاب‌هایی مانند گجستگ ابالیش و شکند گمانیگ و چار هر چند در دوره‌ی اسلامی تالیف شده‌اند، ولی یک نماله‌ی سنن و آثار کلامی و جدلی عهد ساسانی محسوبند و وجود ذوق و قریحه‌ی نقادی را در آن عهدی تأیید بنمایند.

باری، از ادب ایران قبل از اسلام، اثر مستقلى که راجع به نقد ادبی باشد، یافتنی مانده است مع ذلک «باب ابتدا کلیله و دمنه من کلام بزرجمهر بختگان» اگر واقع در اصل پهلوی وجود داشته باشد، رساله‌ی انتقادی تمام‌عیاری است که در آن به دقت جنبه‌های اخلاقی و تربیتی این کتاب بیان شده است و آنکه رساله‌ای کوتاه و مختصرست از جهت تاریخ نقد ادبی در خور کمال توجه است. نیز رساله‌ی پیش از این نامی نبشتن را شاید بتوان به وجهی، از آثار راجع به نقد ادبی در زبان پهلوی شمرد. در این رساله بعضی ستورها جهت نامه‌نگاری ذکر شده است و نویسنده به اجمال تحقیق کرده است که به هر کسی از طبقات و مراتب و مناصب مختلف چگونه باید نامه نوشت و عدم رعایت این اصول و قواعد، ظاهراً زشت و ناپسند بوده است و دور از ذوق و ادب بشمار می‌آمده است و به این جهت در این رساله، نویسنده کوشیده است ضابطه‌ای بدست دهد تا بدان ضابطه بتوان دریافت از نامه‌ها و مکاتیب کدام خوب و پسندیده بوده است و کدام نبوده است و به این اعتبار، این رساله را شاید بتوان به وجهی مربوط به اصول فن نقادی شمرد.